

سازوکارهای تأمین امنیت روانی در فقه سیاسی

سید کاظم سید باقری^۱

دریافت: ۱۳۹۶/۸/۹

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

چکیده

از وظایف فقه اسلامی و از اصلی‌ترین کارکردهای دولت اسلامی، ایجاد امنیت و جلوگیری از ناامنی و شورش است. امنیت روانی، بعد نرم‌افزاری امنیت است که به مدد آن شهروندان احساس می‌کنند محیط زندگی‌شان، آرام و دور از آسیب و تهدید است. این مقوله خود را در همه‌ی ساحت‌های زندگی نشان می‌دهد. این نوشتار به سازکارهایی از فقه می‌پردازد که به طور مستقیم برای ایجاد و تثبیت امنیت روانی اثر می‌گذارند. فرضیه‌ی مقاله این است که با تمهیدهایی نظری مانند لحاظ کردن نوع روابط میان امنیت روانی با خودشکوفایی، اخلاق، سرمایه اجتماعی، عدالت سیاسی و ایمان، می‌توان سازکارهای امنیت روانی در فقه سیاسی را در اموری چون حفظ حریم خصوصی شهروندان، جلوگیری از نشر کتب ضلال، قاعده حرمت جان، مال و آبروی مسلمان، حاکمیت قانون، اصول برائت و صحت و مقابله با محارب، رصد و پی‌جویی کرد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از روش مرسوم فهم نصوص در حوزه انجام شده است.

واژگان کلیدی

امنیت روانی، فقه سیاسی، حرمت جان و آبرو، حریم خصوصی، کتب ضلال.

۱. دانشیار گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی sbaqeri86@yahoo.com

مقدمه

امنیت، از مهم‌ترین نیازهای طبیعی انسان است و در هرم مراتب نیازهای انسان، پس از نیازهای جسمی بدن قرار می‌گیرد. (مزلو، ۱۳۷۲، ص. ۷۴). امنیت، نخستین و مهم‌ترین شرط زندگی اجتماعی است و در دانش فقه، اهمیت بسیار دارد. قرآن کریم، مکه را به «شهر امن» توصیف کرده است و می‌فرماید: «هَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ» (تین، آیه ۳) و یکی از دعا‌های حضرت ابراهیم علیه السلام آن بود که «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (ابراهیم، ۳۵)؛ شهری که آرامش و فراغت از هرگونه تعرض و تهدید دارد. سازکار اساسی بهره‌درست از قدرت، ایجاد امنیت است؛ بدین‌سان ذوالقرنین یکی از افراد صاحب قدرت بود (کهف، آیه ۹۵) و با ایجاد سد، برای مردمی که از یاجوج و ماجوج، اذیت می‌دیدند، زمینه امنیت را فراهم کرد. (کهف، آیه ۹۴) یکی از کارکردهای قدرت، ایجاد امنیت و جلوگیری از ناامنی و شورش است؛ قدرتی که در حاکمیت جلوه‌گر می‌شود، با وجود جامعه امن، شکل واقعی به خود می‌گیرد؛ در اصل لغت «حکم»، منع و بازداری وجود دارد. (فراهیدی، ۱۴۱۴، ص. ۱۹۲؛ رک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ص. ۹۱). به داور گفته می‌شود «حاکم»، زیرا ظالم را از ستم باز می‌دارد. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص. ۱۴۱). بنابراین، قدرت و حاکمیت که در هم تنیده شده‌اند، با بازداشتن آنان که امنیت جامعه را بر هم می‌زنند، زمینه‌های حرکت جامعه در راستای اهداف تعیین شده را فراهم می‌کنند و هدف اول، ایجاد امنیت است.

اصل امنیت، برای هر جامعه‌ای اجتناب‌ناپذیر است. علی علیه السلام، تأکید دارد که وطن بدون امنیت و شادمانی، خیری ندارد: «لَا خَيْرَ... فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَالسُّرُورِ». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ص. ۳۶۹) در ایجاد امنیت، تنها امنیت مادی مورد نظر نیست، بلکه امنیت روحی-روانی و معنوی نیز جایگاهی بلند دارد. امنیت روانی که در عربی از آن به «الأمن النفسی» تعبیر می‌شود، با آن‌که اهمیت بسیاری دارد، در فقه، کمتر کانون توجه بوده است. به بیان دیگر، اگر دقت شود، اصولاً همه آموزه‌های دین برای ایجاد امنیت روحی و روانی و احساس آرامش در جان انسان است که یاد خدا و نماز، به انسان آرامش می‌بخشد. (رعد، آیه ۲۸) آن سان که اسلام از «سلم» (ابن فارس، ۱۴۲۳، ص. ۶۸) که «سلام» نیز از آن گرفته شده و «ایمان» از «امن»

(ر.ک: مصطفوی، ۱۳۷۵، [ج ۱] ص. ۱۵۰) آمده است و هر دو به همراه خود، آرامش و امنیت را می‌آورند. همان‌گونه که جهاد، آمادگی نظامی و دفاع نیز می‌تواند به امنیت روانی انجامد، اما این نوشته به طور مشخص به آموزه‌هایی از فقه می‌پردازد که به طور مستقیم در ایجاد و تثبیت امنیت روانی، اثرگذارند. دغدغه نوشتار حاضر رصد سازکارهایی است که به طور مستقیم با امنیت روانی شهروندان ارتباط دارد. این‌که جامعه‌ای گرفتار جنگ نباشد، یا ناامنی انتظامی و سرقت در آن نباشد، برای شهروندان امنیت روانی ایجاد می‌کند، اما هدف آن است که پس از تأمین این عوامل، که از ضروریات جامعه است، چه عناصر و سازکارهایی در فقه، قابل رصد است که مستقیم‌تر با ایجاد امنیت روانی در ارتباط باشد. در فرضیه تأکید شده است که با لحاظ تمهیدهای نظری مانند نوع روابط میان امنیت روانی با خودشکوفایی، اخلاق، سرمایه اجتماعی، عدالت سیاسی و ایمان، می‌توان سازکارهای امنیت روانی در فقه سیاسی را در اموری چون حفظ حریم خصوصی شهروندان، جلوگیری از نشر کتب ضلال، قاعده حرمت جان، مال و آبروی مسلمان، حاکمیت قانون، اصول برائت و صحت و مقابله با محارب رصد و پی‌جویی کرد. روش اصلی برای برآوردن هدف تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش معهود حوزوی در فهم نصوص دینی است.

۱. تبیین مفهومی

امنیت به معنای موسع، فقط بعد نظامی ندارد، بلکه عرصه‌های امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی هم دارد (بوزان، ۱۳۸۵، ص. ۱۱). در نگرشی کلی، امنیت دو بخش عینی و ذهنی یا امنیت نرم و سخت دارد. در امنیت عینی و سخت، عرصه‌های مشاهده‌پذیر در امور نظامی، اقتصادی، صنعتی، تولیدی، محیط زیستی، قضایی، جغرافیایی، حفظ مالکیت و مصونیت مرزها مد نظر است و در امنیت ذهنی و نرم، ساحت‌های علمی، فکری، فرهنگی، معنوی و روانی.

در علم لغت، واژه «امنیت» را به آرامش، طمأنینه، راحتی عقل و آرامش جان تعریف می‌کنند. «الْأَمْنُ نَقِیْضُ الْخَوْفِ» (ابن منظور، [ج ۱۳]، ص. ۲۱) راغب می‌گوید: «أصل الْأَمْنِ،

طمأنينة النفس و زوال الخوف» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۱-۹۰). فرد ایمن، یعنی مصون از ترس. (مصطفوی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۴۹) درنگرشی کلی، در لغت امنیت، عرصه‌های آرامش روانی نیز وجود دارد. شیخ طوسی در تفسیر تبیان می‌نویسد که «امن»، نقیض «خوف» و ترس است و آرامش نفس برای برانداختن ضرر و تباهی است. (طوسی، ۱۴۲۳، [ج ۶]، ص ۲۹۹) آن چنان که لغت امانت، ضد خیانت نیز از همین ریشه گرفته شده است. (خلیل فراهیدی، ۱۴۱۴، ص ۱۵۷).

در اصطلاح، «امنیت»، به معنای تضمین ایمنی و مصونیت از تعرض، تصرف اجباری و بدون رضایت و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع است. (آقا بخشی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۵) به بیان دیگر، امنیت، حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله است. (آشوری، ۱۳۸۷، ص ۳۸)، وجه مشترک همه تعاریف امنیت را می‌توان، نبود ترس و هراس (نگرش سلبی) یا وجود آرامش (نگرش اثباتی) دانست.

امنیت روانی، وضعیتی است که در آن فرد احساس می‌کند که محیط زندگی‌اش، آرام و رها از آسیب و تهدید است. (Maslow, Hirsh, Stein, & Honigmann, ۱۹۴۵, p. ۲۷) این امنیت، نوعی احساس آرامش درونی است که انسان، در جان خویش دارد. برخی احساس امنیت را که گاه از آن به «امنیت وجودی» تعبیر می‌شود، چنین تعریف می‌کنند: «زمانی که فرد می‌داند چگونه به کار خود ادامه دهد، بدون آن‌که وقفه و مزاحمتی برای او به وجود آید، حالتی ذهنی و روانی در وی بروز می‌کند که این حالت، همان احساس امنیت است». (استونز، ۱۳۷۹، ص ۴۳۲) با این معنا به نظر می‌رسد که امنیت روانی با امنیت ذهنی یکی است. از سوی دیگر، امنیت روانی، ارتباطی نزدیکی با امنیت فکری دارد، اما این دو یکسان نیستند؛ امنیت فکری، اگر به معنای آن باشد که افراد هرگونه که دوست دارند، فکر کنند، امری کاملاً درونی و غیر قابل رصد است؛ اما می‌تواند به معنای آن باشد که فرد از اندیشه درباره هرآنچه که امنیت روانی و ذهنی او را برهم ریزد، دوری کند یا به معنای آن باشد که افکار و اندیشه‌هایی در جامعه رواج داشته باشد که آرامش فکری شهروندان را از بین نبرد.

ممکن است که در جامعه‌ای امنیت روانی و امنیت فکری با هم، وجود داشته باشد؛ آن‌سان که امکان دارد جامعه‌ای، امنیت فکری داشته باشد و خود فرد هم، افکار برهم‌زننده امنیت را دارا نباشد، اما امنیت روانی نداشته باشد.

۲. تهمید نظری

در اندیشه دینی، امنیت همه‌جانبه مورد نظر است؛ امنیتی که محدود به زندگی مادی و اقتصادی و جانی نمی‌شود. انواع امنیت درهم‌تنیده هستند و عرصه‌های مختلف امنیت نرم و سخت، امنیت بیرونی و درونی و امنیت عینی و ذهنی با یکدیگر در تعامل اند. غالباً چنین نیست که جامعه‌ای گرفتار جنگ و کشمکش‌های داخلی باشد، اما امنیت روانی وجود داشته باشد؛ هرچند ممکن است که در موارد قلیلی، فردی با وجود جنگ، امنیت روانی هم داشته باشد.

هدف آن است تا شرایط تخریب‌گری که روان انسان را می‌آزارد و آرامش درونی او را برهم می‌زند، وجود نداشته باشد. در اهمیت امنیت روانی همین بس که آرامش، هنگامی پدید می‌آید که همه عرصه‌های دیگر امنیت، اعم از نظامی، انتظامی، فکری و اخلاقی به وجود آمده باشد؛ از این رو امنیت روانی، امری پسینی است و بردولت اسلامی است که افزون بر ایجاد امنیت نظامی و انتظامی، امنیت روانی و احساس آرامش را در جامعه به وجود آورد.

آنچه در ادامه به مثابه تهمید نظری ذکر می‌شود، برای توجیه این است که امنیت روانی در بعضی از آموزه‌های فقهی آمده، اما برخی از امور پیشینی و مبنایی تأثیرگذار وجود دارد که در کلیت و چگونگی تحلیل امنیت روانی، نقشی انکارناپذیر دارند. هر آموزه فقهی که حاکی از امنیت روانی است، به نحوی با عناصری مانند ایمان، خودشکوفایی، اخلاق و سرمایه اجتماعی نیز مرتبط است؛ از این رو این عناصر در پشتوانه نظری آموزه‌های فقهی، حضور جدی دارند و ایجاد امنیت روانی را از تلقی صرفاً فقهی - حقوقی جدا کرده و به ایمان و اخلاق نیز گره می‌زنند. این نکته مهم است که در اندیشه اسلامی، خود ایمان، امنیت آور روانی و آرامش بخش جان است و اعتماد اجتماعی مسیری امن برای رسیدن به پویایی و پایایی جامعه اسلامی تلقی می‌شود.

۲-۱. ایمان و امنیت روانی

قرآن کریم، در هیئت بنیادی‌ترین منبع فقه سیاسی، خداوند را با واژه «مؤمن» معرفی می‌کند: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ». (حشر، آیه ۲۳) «مؤمن» را در این آیه به معنای «ایمنی بخش دل‌های هراسان» (ترجمه الهی قمشه‌ای) ترجمه کرده‌اند و در تفسیر المیزان به معنای کسی است که ایمنی می‌دهد. (طباطبائی، ۱۳۸۱، [ج ۹]، ص ۵۶۵) در اندیشه دینی، اسلام، سرچشمه امنیت است و کسی که به آن بگردد، ایمن می‌شود، علی‌علیه فرمود: «فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَلَّقَهُ وَسَلَامًا لِمَنْ دَخَلَهُ» (شریف رضی، خطبه ۱۰۶) «خداوند اسلام را برای آنها که بر آن توکل کنند، وسیله اطمینان و آرامش و برای کسانی که داخل آن شوند، موجب سلامتی، قرار داد». آن سان که «سلم» و «سلام»، به معنای اعم، اقتضای امنیت و عافیت، آرامش و نبود تهدید می‌کند و هر آن چه که موجب زندگی می‌شود. (شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۳۶) در فقه شیعه نیز اظهار اسلام و ذکر شهادتین، برای فرد، امنیت جانی، مالی و عرضی می‌آورد و کسی حق تعرض به او را ندارد. ایمان، امنیت‌آور است و مانع اضطراب و نگرانی فرد مؤمن می‌شود و نوعی آرامش را در روحیه و روابط اجتماعی او حاکم می‌سازد. در کلام الهی، «ایمان» و «امنیت» در کنار هم به کار رفته و به آرامش‌آوری ایمان تصریح شده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ»؛ (انعام، آیه ۸۲) آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نیالودند، ایمنی از آنان است. در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم که خداوند به مؤمنین وعده می‌دهد که ترس مؤمنین به آرامش بدل خواهد شد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور، آیه ۵۵).

در آیه ۱۱۲ سوره نحل، هر دو وجه امنیت و ناامنی جسمی و روحی-روانی بیان شده است. خداوند شهری را مثال می‌زند که هم ایمن بود و آرام، و هم نعمت و روزی داشت؛ اما ناسپاسی، سبب شد تا امنیت غذایی و آرامش از آن شهر برچیده شود-ناامنی جسمی- و خدا لباس گرسنگی، ترس و ناامنی-ناامنی روانی- را بر آنان بیوشاند:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛ (نحل، آیه ۱۱۲) خداوند چنین مثل می‌زند:

منطقه‌ای که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به علت اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.

مرحوم علامه طباطبائی می‌نویسد که خداوند برای آن قریه، سه ویژگی بیان کرده است: امنیت، اطمینان و روزی فراوان. صفت وسطی یعنی اطمینان و آرامش، همانند حلقه واسط میان امنیت و فراوانی است. آن‌گاه که شهری از خطر هجوم اشرار و غارت‌گران و قتل و نابودی اموال در امان باشد، اهل آن دیار، آرامش می‌یابند و مجبور به ترک وطن نمی‌شوند و از آنجاکه این آرامش وجود دارد، روزی بسیار از هر سوبه آن دیار وارد می‌شود. (ر.ک: طباطبائی، [ج ۱۲]، ص ۱۶۴) در واقع، امنیت به آرامش می‌رساند و آن، جامعه را روزی فراوان می‌رساند.



۲-۲. امنیت روانی و خودشکوفایی

«نیاز خودشکوفایی»^۱ انسان که یکی از متعالی‌ترین نیازهای اوست، با برآورده شدن نیازهای اولیه انجام می‌گیرد. غالباً تا زمانی که نیازهای جسمی^۲، نیازهای امنیتی^۳، نیازهای عشق و عاطفه^۴ و نیازهای احترام و عزت نفس^۵ انسان برآورده نشود، نوبت به نیازهای بعدی

1. Self- actualization need

2. Physiological needs

3. Safety needs.

4. Belongingness and love needs

5. Esteem needs

نمی‌رسد. (شولتز، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۷) اگر امنیت جانی یا غذا و دارو نباشد، جامعه و انسان، چنان آشفته می‌شود که نوبت به خلاقیت، معنویت، حسن نیت، شکوفایی جان انسان‌ها و حاکم شدن روابط اخلاقی در جامعه و برآمدن اخلاقیات نمی‌رسد. از این روست که نیازهای امنیتی، به ویژه نوع روانی آن که با روح افراد سروکار دارد، امری پایه‌ای به شمار می‌آید. مزوچنین استدلال می‌کند که اگر نیاز امنیتی برآورده نشد، فرد ممکن است، احساس آسیب یا تهدید کند؛ احساس اضطراب و تنش کند و گرایشی به کسب نیازهای سطح بالاتر و خودشکوفایی پیدا نکند. به همین دلیل، دولت باید این امنیت را برقرار کند تا فرد محیطش را امن و بدون تهدید دریابد. (Maslow, ۱۹۴۵, p. ۲۸, Hirsh & Stein, Honigmann)

افرادی که احساس امنیت روانی دارند، جهان را از حیث عاطفی، امن و رها از آسیب احساسی و عاطفی، درمی‌یابند. آنان معمولاً اعتماد به نفس بالایی دارند و به خود و دیگران اعتماد می‌کنند؛ احساس اضطراب نمی‌کنند و تمایل دارند فعالانه در روابط اجتماعی مشارکت کنند. (Taormina & Sun, ۲۰۱۵). آنان که این احساس را دارند، می‌کوشند تا در زندگی به اهداف بالاتر و تعالی برسند. با همین رویکرد است که امنیت روانی، باعث افزایش نشاط در روابط فردی و اجتماعی می‌شود. این امر ممکن است ناشی از این واقعیت باشد که افراد با امنیت روانی، معمولاً در روابط خود با دیگران، احساس تنهایی، اضطراب، دشمنی و نگرش بدبینانه ندارند.

۳-۲. اخلاق، پشتوانه امنیت روانی

هرچند فقه، دانش تکالیف است و به شهروندان و دولتمردان هشدار کافی می‌دهد تا اموری را برای ایجاد امنیت روانی انجام دهند، اما واقعیت آن است که سهمی عمده از حفظ و تکثیر امنیت روانی به رعایت و پشتیبانی قواعد اخلاقی بازمی‌گردد. امنیت روانی با اخلاق ارتباط مستقیم دارد و تا آن‌گاه که روابط اجتماعی بر اخلاق بنیان نگردد و عرصه قدرت که عرصه‌ای همواره در معرض آسیب است، با اخلاق همراه نشود، ناامنی در جامعه فراگیر خواهد بود. ویژگی التزام به آموزه‌های اخلاقی آن است که به جامعه احساس آرامش می‌دهد. این که انسان

در کنار تکالیف فقهی به وظایف اخلاقی نیز وفادار باشد، می‌تواند به تقویت ساحت‌های همکاری، حس اعتماد متقابل، همیاری و تکافل سیاسی، وفاداری به گروه‌ها و افراد، التزام به قانون، افزایش مهرورزی در جامعه، انجامد و ضریب امنیت روانی آن را افزایش دهد. جامعه‌ای که روابط سیاسی آن بر پایه حسن ظن، غیبت نکردن، تهمت نزدن، عدم تمسخر، امانت‌داری، وفای به عهد، عدم تجسس، فاش نکردن اسرار دیگران، رعایت حریم شخصی افراد، تنظیم می‌شود، به حصه‌ای مهم از امنیت روانی دست یافته است.

با وجود ایمان و التزام به دستورهای اخلاقی، نوعی اعتماد و عزت نفس، در میان افراد جامعه فراگیر می‌شود و این امر به امنیت روانی یاری بسیار می‌رساند. اگر شهروندان به روابط خود با دیگران و با دولت، اعتماد نداشته باشند و فرایند امور را بر پایه دروغ و فریب بدانند، در جامعه آرامش وجود نخواهد داشت، بلکه حالتی از ترس و اضطراب درونی بر آنان حاکم می‌شود؛ از این رو تأکید می‌شود که بردستگاه امنیتی در دولت اسلامی واجب است تا مقید به موازین شرعی و معیارهای اخلاقی باشد و هدف آن نیست، مگر حفظ مصالح اسلام و تحکیم نظام عدل و انصاف. (منتظری، ۱۴۰۹، ص. ۵۸۹)

۴-۲. امنیت روانی و سرمایه اجتماعی

شبکه روابط پایا و اعتمادآور میان شهروندان، جامعه را قادر می‌سازد که به طور موثر به سوی امنیت روانی حرکت کند. این امر امروزه در سرمایه اجتماعی تجلی دارد و افراد را در رسیدن به اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها توانا می‌سازد و همکاری اعتمادآمیز را در میان آنان، آسان می‌سازد. جوهره سرمایه اجتماعی، اعتماد و کارویژه آن، همکاری متقابل جمعی است. «سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای مشخص از ارزش‌های غیررسمی یا هنجارهای مشترک بین اعضای یک گروه است که همکاری میان آنها را افزایش می‌دهد. (Fukuyama, Francis, ۱۹۹۵: ۱۳) فرهنگی که اعتماد و تحمل دارد، در آن، شبکه‌های گسترده‌ای از انجمن و گروه‌های داوطلبانه ظاهر می‌شود (Inglehart, ۱۹۹۷, p. ۱۸۸) سرمایه اجتماعی، تأمین‌کننده یکی از اصلی‌ترین عنصرهای امنیت روانی است.

در فقه، برای حفظ امنیت روانی جامعه و در راستای بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، بر تکافل، همیاری و همکاری تأکید شده است. «تکافل» به معنی کفیل و عهده‌دار شدن کار یکدیگر و همکاری پایدار اجتماعی است؛ در اصل لغت، «کفل» نیز بر تعهد کاری برای تأمین و برآوردن امور یک شخص و زندگی او تأکید شده است. (مصطفوی، ۱۳۷۵، [ج ۱۰]، ص ۸۸) مظهر و جلوه تکافل، در تعاون است که گاه، فراگیر است یعنی همه افراد و گروه‌های جامعه، دست به دست هم می‌دهند تا مشکلی از جامعه، حل گردد. علاوه بر حکم عقل، در قرآن کریم نیز بر وجود و ضرورت این روحیه، تأکید شده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ (مائده، آیه ۲) در کار نیک و پرهیزکاری، با یکدیگر همکاری کنید.

علامه طباطبائی بر این باور است که تعاون بر نیکی، اساس سنت اسلامی است و معنی تعاون بر نیکی و پرهیزکاری به همراهی ایمان و عمل صالح به ترس از خداوند برمی‌گردد. (طباطبائی، ۱۳۸۱، [ج ۵]، ص ۱۶۳) قول خداوند در بردارنده سازندگی هستی و منع از فساد است که با عدالت به انجام می‌رسد. (شعراوی، ۱۴۱۱، ص ۹۰۶) هنگامی که کسی با برادر دینی خود در مسیری مشترک همکاری می‌کند، می‌تواند از توان او نیرو گیرد. (فضل الله، ۱۴۱۹، ص ۲۸۰)

روش همیاری سیاسی، به سان یک شبکه اعصاب در کالبد جامعه اسلامی فراگیر می‌شود و شهروندان عهده‌دار و یاور یکدیگر می‌شوند، پیامبر گرامی اسلام ﷺ جامعه اسلامی را همانند پیکری زنده می‌داند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اجزای پیکر با آن، اظهار همدردی می‌کنند. (مجلسی، ۱۳۹۲، [ج ۵۸]، ص ۵۰) با توجه به این امر، سید محمد باقر صدر باور دارد که شکل اسلامی عدالت اجتماعی، دارای دو اصل فراگیر است، اصل همکاری عمومی (تکافل) و توازن اجتماعی: «وفی التکافل والتوازن بمفهومهما الإسلامی، تحقق القيم الاجتماعية العادلة ویوجد المثل الإسلامی للعدالة الاجتماعية» (صدر، ۱۳۷۵، ص ۳۰۱) سید قطب نیز در بحث عدالت اجتماعی، به بحث تکافل و همکاری اجتماعی اشاره می‌کند. (قطب، ۱۳۵۲، ص ۴۵)

در همین رابطه خداوند در سوره آل عمران نه تنها «صبر»، بلکه «مصابره» را طرح می‌کند؛

گویی جامعه با همکاری، دست در دست هم و در کنار هم، باید صبر داشته باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا»؛ (آل عمران، آیه ۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده اید! [در برابر مشکلات و هوس‌ها] استقامت کنید و پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید. منظور از «صبر»، شکیبایی تک‌تک افراد است، اما «مصابره»، عبارت است از این‌که جمعیتی با هم، آزارها را تحمل کنند و هرکس با تکیه صبر خود بر صبر دیگری، استواری ورزد. علامه طباطبائی سپس درباره کلمه «و رابطوا»، می‌فرماید: «مربطه» از نظر معنا، اعم از «مصابره» است، چون در «رابطوا» منظور به وجود آوردن جامعه‌ای است که با پیوند میان نیروهای جامعه به یکدیگر، تشکیل می‌شود». (رک: طباطبائی، ۱۳۸۱، [ج ۴]، ص ۹۲) جامعه‌ای که دارای این روحیه باشد، با روند هم‌افزا می‌تواند احساس امنیت را به جامعه تزریق کند. با اعتماد شهروندان به دولت اسلامی، اعتماد نهادهای حکومتی به یکدیگر و اعتماد دولت به شهروندان، جامعه به یکی از بهترین دستاوردهای سرمایه اجتماعی می‌رسد؛ یعنی همان امنیت روانی.

۳. سازکارهای امنیت روانی در فقه سیاسی

یکی از ضروریات جامعه سالم که امروزه کم‌تر بدان توجه می‌شود، «امنیت روانی» است. این نوع از امنیت از آنجاکه وجوه عینی ندارد، قابلیت رصد کمتری نیز دارد، اما هشدار به حاکمیت، زمانی جدی می‌شود که ناامنی روانی، ظهور عینی می‌یابد و به عرصه‌های دیگر امنیت اجتماعی هجوم می‌آورد. دانش فقه به مثابه دانشی که به تنظیم امور جامعه و سامان بخشی آنها می‌پردازد، برای امنیت در عرصه‌های مختلف از جمله امنیت روانی، اهمیت قائل است. احکام فقهی که در برابر امور جزئی و کم‌اهمیت مالی حساس است، به طریق اولی در قبال بزرگ‌ترین سرمایه انسانی که امنیت روانی باشد، حساسیتی بیشتر دارد؛ امری که پای در فرهنگ، اخلاق و باورهای شهروندان دارد. در ادامه، برخی از سازکارهایی که می‌تواند تأمین‌گر امنیت روانی باشد، بررسی می‌شود.

۳-۱. حفظ حریم خصوصی شهروندان

یکی از دغدغه‌های مهم در فقه، ایجاد احساس امنیت روانی است و از سازکارهای اساسی برای رسیدن به آرامش روانی، حفظ حریم خصوصی شهروندان است. «حریم»، که «حرمه» نیز از آن اخذ شده، به معنای منع می‌باشد و آن‌گاه که امری ممنوع گردد که مس شود یا دیگری به آن نزدیک شود، پس آن، حریم است. (صدر، ۱۴۲۰، ص. ۹۹۰) حریم خصوصی، گستره‌ای است که افراد دوست ندارند، دیگران از آن اطلاع داشته باشند؛ از این رو اگر در نهان شهروندان چنین تصویری شکل بگیرد که کسی یا نهادی، زندگی و رفتارها و گفتارهای آنان را رصد می‌کند و در زندگی آنان، دخالت می‌کند، آشفتگی روانی، ترس و خفقان جامعه را در خود فرو می‌برد. طبعاً این حس، امنیت روانی را در ذهن و ضمیر آنان نابود می‌کند و سوءظن و بی‌اعتمادی را بر روابط اجتماعی حاکم می‌سازد. از این روی یکی از وظایف دولت اسلامی آن است تا با به‌کارگیری سازکارهایی قانونی و براساس آموزه‌های شرعی، روند امور جامعه را به گونه‌ای تنظیم کند که حریم خصوصی شهروندان حفظ گردد و مردم در نهان و خلوت خویش، احساس آرامش کنند. با توجه به مبانی و اصولی چون لزوم حفظ کرامت انسان، وجوب حفظ آبروی او، حرمت تجسس از زندگی دیگران و لزوم حفظ امنیت، آرامش روانی، جانی و مالی شهروندان، کارگزار یا نهادی حکومتی بدون اجازه قانونی و لحاظ مصالح جامعه و نظام اسلامی، حق ورود به حوزه شخصی و محرمانه افراد را ندارد. این مهم در منابع فقهی ما برجسته است؛ برای نمونه، فقها براساس آیه ۱۲ سوره حجرات، حکم به حرمت مداخله و جست‌وجو در زندگی خصوصی دیگران کرده‌اند. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا»؛ (حجرات، آیه ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی [دیگر را] نکند.

در این آیه به چند نکته کلیدی برای حفظ امنیت روانی جامعه اسلامی اشاره شده است؛ چنان‌که هم مؤمنین را از سوءظن و بدگمانی بازمی‌دارد، هم تجسس و دخالت در امور دیگران را حرام اعلام می‌کند و هم آنان را از غیبت پرهیز می‌دهد. بی‌توجهی به هریک از این سه دستور،

مردم را دچار تشویش می‌کند و آرامش را که هسته مرکزی امنیت روانی است، نابود می‌کند. در فقه تأکید می‌شود که «تعرض به مردم، زدن و شکجه آنان به صرف یک اتهام ثابت نشده، موجب تزلزل آنان و احساس ناامنی اجتماعی می‌گردد؛ حتی برای مردمی که اتهامی ندارند و پاکند. کتاب و سنت، از تجسس کرده نهی است تا مردم در زندگی خویش، ایمن و دارای آرامش باشند و این از بزرگ‌ترین مصلحتی است که شرع مقدس بر آن اهتمام داشته است. (منتظری، ۱۴۰۹، ص ۳۷۷) از پیامبرگرامی اسلام ﷺ نقل شده است که فرمود: «إِنَّ الْأَمِيرَ إِذَا ابْتَغَى الرِّيْبَةَ فِي النَّاسِ أَفْسَدَهُمْ»؛ (ابوداود، ۱۴۲۰، ص ۶۸۹ و رک. سنن البیهقی، ج ۸: ۳۳۳) آن‌گاه که حاکم و زمام‌دار، در پی تهمت و بدگمانی در میان مردم باشد، آنان را به تباهی می‌کشاند». این تباهی برای آن است که بی‌اعتمادی در جامعه گسترش می‌یابد و آن‌گاه که جامعه‌ای سرمایه اعتماد را از دست دهد و به جای آن بدگمانی، تهمت، غیبت، بدبینی، جاسوسی، افشای اسرار، آبروریزی و هتک حرمت دیگران بنشیند، آن را دچار گسست و دوگانگی می‌کند.

با توجه به همین امر بود که امام خمینی برای حفظ حریم خصوصی شهروندان، به تصریح گفت: «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیرنماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۴۱) و در ادامه باز هم به تأکید تکرار می‌کند: «مؤكداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهویا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران

افشا کنند، چراکه اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد، هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۴۱)

بنابراین حریم و عرصه خصوصی، تأکیدی همیشگی در فقه بوده و کسی حق دخالت و جاسوسی در زندگی دیگران را نداشته و ندارد. «اسلام برای رسیدن انسان به حوزه امنیت و آرامش است، زیرا از نظر قرآن و سنت، مردم خانواده‌ای همکار و همیارند و رو به سوی تکامل». (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۳۷) در مقابل، ویژگی دولت‌های خودکامه آن است که تنها آرامش ظاهری را در جامعه به وجود می‌آورند، زیرا در این‌گونه جوامع، با توجه به ورود حکومت خودکامه به حریم خصوصی شهروندان، آنان احساس می‌کنند که گویی کسی مراقب همیشگی آنان است؛ از این‌رو ترس و وحشتی پنهانی در ذهن افراد به وجود می‌آید؛ کسی احساس راحتی ندارد و تزویر، ریا، سالوس و فریب‌زنی، دروغ و بهتان در جامعه رواج می‌یابد. در این‌گونه جوامع، ناامنی و دلشوره فراگیر می‌شود و کسی را یارای نهیب‌زدن نیست و اختناق چتر می‌گستراند.

۲-۳. جلوگیری از نشر کتب ضلال

یکی از سازکارهایی که برای حفظ امنیت روانی در فقه پیش‌بینی شده، حرمت نگهداری کتب ضلال است. مرحوم علامه حلی می‌نویسد: حفظ کتاب‌های ضلال و نسخه‌برداری و نگارش آنها حرام است؛ مگر آن‌که برای نقض آنها باشد. (حلی، ۱۴۱۴، ص ۱۴۴). باری فقها به ادله گوناگونی مانند آیات (حج، آیه ۳۰)، روایات (حرعاملی، ج ۱۲، ص ۵۶ و ۵۷)، دلیل عقلی (وجوب برکندن ماده فساد) و اجماع (علامه حلی، ۱۴۱۲ ج ۲، ص ۱۰۱۳؛ شیخ انصاری؛ ۱۴۱۶، [ج ۱]، ص ۲۳۳) استناد می‌کنند؛ از جمله به این آیه که فرمود:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا﴾؛ و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا مردم را بی هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را به ریشخند گیرند.

بخشی از این امر، مرتبط با امنیت فرهنگی است تا جامعه و شهروندان از تعرض و تهدید

فرهنگی به آثار، ارزش‌ها، دانش‌ها و بینش‌های مستقر جامعه در امنیت باشد. بخش دیگر این حکم با امنیت روانی، پیوند دارد و آن، هنگامی است که فرد با خواندن این آثار، دچار شبهه‌های ویرانگر می‌شود و امنیت ذهنی و روانی او در هم می‌ریزد. اصل این‌که کسی کتاب‌های گمراه‌کننده نگه دارد، ارتباطی مستقیم با امنیت نظامی و انتظامی ندارد، اما این امر از آنجا دارای اهمیت است که با وجود این کتب، دولت اسلامی یا حتی پدر و مادر و اولیای تربیتی درباره شهروندان یا فرزندان خویش احساس ناامنی می‌کنند و از آن هراس دارند که شاید ایمان و پایه‌های عقیدتی و اندیشگی آنان که ذهنی خالی دارند، فروریزد و آنان را در مورد سرنوشت فکری و ذهنی فرزند و شهروندان جامعه اسلامی، نگران سازد. لذا این گونه کتاب‌ها، نه تنها آرامش فکری و روانی فردی که آنها را می‌خواند، بلکه امنیت روانی اطرافیان آن فرد را نیز به هم می‌ریزد؛ از این رو با منع نشر کتب ضلال، جلوی این آسیب گرفته می‌شود تا آرامش فکری و روانی مردم دستخوش شبهه‌پراکنی نشود.

۳-۳. قاعده حرمت جان، مال و آبروی مسلمان

در دانش فقه براساس مبانی منزلت انسان و کرامت ذاتی او و با تکیه بر این امر که انسان مسلمان، جان، مال، ناموس و آبرویش در امنیت است، کسی حق تعرض به آنها را ندارد. حتی کافر ذمی هم که در دولت اسلامی زندگی می‌کند دارای این حرمت است. شهید اول، در کتاب القواعد و الفوائد تأکید می‌کند که تشریعی نیامده است؛ مگر برای کسب مقاصد پنج‌گانه حفظ نفس، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال که از ضروریات به شمار می‌روند. حال حفظ نفس و جان، با احکامی مانند قصاص، دیه و دفاع انجام می‌شود، حفظ دین و عقل با احکامی چون جهاد، قتل مرتد، تحریم نوشیدنی‌های مستی‌آور و اجرای حدود. (عاملی، ۱۴۰۰، [ج ۱]، ص ۳۸۰) به نظر می‌رسد، التزام به هریک از آنها، بخش مهمی از امنیت روانی را در جامعه تأمین می‌کند.

مفاد این قاعده، در باور شهروندان و کارگزاران حکومت اسلامی این تصویر و تصدیق را فراگیری می‌سازد که کسی بدون دلیل و ناسنجیده نمی‌تواند به زندگی آنان تعرض کند. این باور

در لایه‌های عمیق جامعه، نوعی آرامش روانی ایجاد می‌کند. وجوب حفظ آبروی مؤمن و این‌که کسی نمی‌تواند به او متعرض شود، به شهروندان آرامش می‌دهد؛ همچنان‌که شیخ انصاری می‌گوید: «و کیف كان فلا اشكال من حيث النقل والعقل في حرمة اذاعة ما يوجب مهانة المؤمن وسقوطه من اعين الناس». (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، [ج ۳]، ص ۵۴۳) از همین رو امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر می‌نویسد که فرد عیب‌جو باید از حریم فرماندار دور باشد: «و لیکن ابعد رعیتک منک، و اشنوهم عندک، اطلبهم لمعایب الناس، فارت فی الناس عیوباً، الوالی احق من سترها»؛ باید دورترین رعیت از حریمتو و در شدت کینه‌تونسبت به او، کسی باشد که در حق مردم عیب‌جو تراست، زیرا در مردم عیوبی هست که والی در پوشاندن آن عیوب از همه کس سزاوارتر است. سپس حضرت تأکید می‌کند که درباره عیوبی که از مردم بر تو پنهان است، کنج‌کاوی مکن، چراکه فقط در آنچه از عیوب مردم نزد تو معلوم است وظیفه اصلاح داری و نسبت به آنچه از عیوب رعیت بر تو پنهان است، خداوند داوری می‌کند. پس تا می‌توانی عیوب مردم را بپوشان، تا خداوند عیوب تو را که علاقه داری از مردم پوشیده بماند، پرده‌پوشی کند». (نهج البلاغه، نامه ۵۱)

در روایتی دیگر نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «اِنَّ حُرْمَةَ عِرْضِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ وَمَالِهِ»؛ (تویسرکانی، ۱۴۱۳، ص ۲۲۶) همانا حرمت آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال اوست. در روایتی از امام جعفر صادق (ع) نیز آمده است که مؤمن سراسر وجودش حرمت است: «حرمت آبرو، مال و جان او». (نوری، ۱۴۰۸، ص ۲۳۹) در حدیثی دیگر از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است که فرمود: «إِنِّي لَمْ أَوْمَرَنَّ أَنْقَبَ عَنْ قُلُوبِ النَّاسِ» (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ص ۱۰۱)، من امر نشده‌ام تا از قلب‌ها و [امور پنهان] مردم تفتیش کنم. بنابراین در روایات، مؤمن کسی است که مسلمانان در اموال و جان‌شان از او در ایمنی هستند و مسلمان واقعی کسی معرفی می‌شود که مردم از دست و زبان او در امنیت باشند: «الْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَهُ الْمُسْلِمُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَدِمَائِهِمْ وَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ص ۳۶۲)، وجه غالب امنیت از گفتار دیگران، مربوط به امنیت روانی است.

باری، همه این موارد و داده‌های متعدد دیگر که در کتب روایی نقل شده و براساس آنها

قواعد فقهی تنظیم و استنباط گردیده است، نشان از اهمیت بالای مسئله دارد که عمل و التزام جامعه و کارگزاران حکومتی به آن، برای جامعه، نوعی امنیت روانی به دنبال می‌آورد. لذا شارع «هرآنچه را که موجب نزاع، مخاصمه، هتک اعراض و آبرو و ریختن خون انسان‌های بی‌گناه می‌شود، ممنوع اعلام می‌دارد، چراکه در برابر این امر مهم، وظیفه سنگینی بر عهده دارد. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ص. ۲۴۷)

۴-۳. حاکمیت قانون

یکی از سازوکارهای مهم برای رسیدن به امنیت روانی، آن است که در جامعه و در اندیشه و ذهن حاکمان و شهروندان، این باور جا افتاده باشد که مبنای عمل، قانون است و همه افراد در برابر آن، یکسان‌اند و از حقوق مساوی برخوردارند و کسی حق ویژه یا موقعیت ممتاز ندارد تا هرگونه که خواست عمل کند یا هرگونه که عمل کرد، کسی نتواند او را بازجویی و مواخذه کند. امام خمینی رحمته الله علیه نیز باور داشت که حکومت اسلامی، حکومت قانون است. (خمینی، ۱۳۸۴، ص. ۶۲۳) و فرمان خدا بر همه افراد و بردولت اسلامی، حکومت تام دارد. همه افراد تا ابد تابع قانون هستند؛ همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده است. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۴۵).

در دانش حقوق، قانون، ضوابط و اصول کلی معینی است که از طرف یک منبع دارای قدرت و اعتبار اجتماعی، مقرر می‌شود و در آن برای همه کسانی که در قلمرو آن منبع قدرت، زندگی می‌کنند، تکالیف، حقوق و مسئولیت‌هایی معین گردد که همگان، قوی یا ضعیف، به رعایت آن ملزم باشند و به عواقب تخلف از آن گردن نهند (ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص. ۵۱۸-۵۱۷). در جامعه اسلامی همه امور باید بر اساس قوانین عقل و شرع تنظیم شود تا امنیت در همه وجوه فراهم شود. در قرآن کریم تأکید شده است که از حدود و مقررات الهی گذر نشود: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا» (بقره، آیه ۱۸۷) و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: اگر کسی به آن حدود الهی تعدی کند، از ستمکاران است: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا» (بقره، آیه ۲۲۹) و در آیه‌ای دیگر بیان می‌شود که تعدی و تجاوز به حدود الهی، ظلم به خویش است. (طلاق،

۱) با این همه، اگر رفتارها بر اساس قانون، تنظیم نشود، ناامنی را به دنبال می‌آورد. یکی از عوامل مهم احساس ناامنی زمانی است که افراد حس کنند که فرد یا گروهی می‌تواند خارج از حدود شرعی و قانونی، خودسرانه اقدام کنند و کسی هم جلودار آنان نباشد. قانون مطمئن‌ترین راه برای رسیدن شهروندان به حقوقشان است و نقش آن در تأمین امنیت روانی آن‌گاه برجسته می‌شود که شهروندان به این باور تأثیرگذار می‌رسند که همهٔ امور بر اساس قانون انجام می‌شود و هیچ کس با ثروت یا قدرت بیشتر، حق ندارد خارج از روال شرعی و قانونی در زندگی دیگران دخالت کند و بر اساس قانون، همه باید در قبال کاری که انجام می‌دهند، پاسخگو باشند.

۵-۳. امنیت روانی و اصول صحت و براءت

در دانش فقه، امنیت، ایجاد آن و تلاش برای حفظ آن در عرصه‌های مختلف، همواره در کانون توجه بوده است؛ برای نمونه جوهرهٔ اصل «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» (حرعاملی، ۱۴۰۹، [ج ۲۶]، ص ۱۴۰)، امنیت است و این‌که افراد در جامعهٔ اسلامی باید از ضرر دیگران در امان باشند و اگر کسی به دیگری آسیبی وارد کرد، باید جبران کند. همچنین در فقه، اصل آن است که به فعل مؤمن، اعتماد شود؛ بر اساس روایات (کلینی، ۱۴۰۷، [ج ۲]، ص ۳۶۲) و قاعدهٔ اصالت صحت (انصاری، ۱۴۱۶، [ج ۲]، ص ۷۲۰)، اعمال او حمل بر صحت گردد. مستند این اصل «فحوای روایت «حفص بن غیاث» است که «لَوْ لَمْ يَجْزْ هَذَا لَمْ يَقُمْ لِلْمُسْلِمِينَ سُوقٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، [ج ۷]، ص ۳۸۷). در این جا از عموم علت استفاده می‌شود که هر چه موجب تعطیلی بازار مسلمانان باشد، مورد نفی شارع مقدس است؛ بنابراین لازم است بنا بر صحت گذاشته شود. مستند دیگر آن، بنای عقلاست که در جمیع ملل و نحل در تمام اعصار و امصار، اصل صحت، یک اصل مسلم حقوقی است و جزء آرای محموده و تأدیبات صلاحیه به شمار می‌آید. شارع مقدس نیز از این حیث با عقلا متحد‌المسلک است، زیرا خود رئیس عقلاست؛ علاوه بر آن ردعی وجود ندارد، بلکه ادله‌ای مبنی بر امضای این اصل و قاعده اقامه شده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴، ص ۴۷۰)

یکی از دیگر اصولی که در این عرصه شده، اصل براءت است که با جریان آن، امنیت

و اعتماد در جامعه حضور می‌یابد. «معنا و مفهوم اصل برائت در علم اصول این است، در مواردی که در وجود یک تکلیف شرعی شک داریم و دلیلی هم در اثبات وجود چنین تکلیفی نداریم، معتقد باشیم که در مقام عمل موظف به آن نیستیم. (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۹) با سریان اصالت صحت و اصل برائت در روابط سیاسی - اجتماعی، نوعی احساس آرامش و امنیت حاکم می‌شود. در بیان یکی از فقه‌های معاصر با اشاره به اصل صحت و حسن ظن در جامعه، آمده است: «حاکمی که حکم خویش را بر بنیاد اسلام و ارادهٔ مسلمانان، برپای می‌دارد، به ناچار واجب است که دستگاه امنیت و اطلاعات او، دستگاه آرامش برای مسلمین و متعهدین به مقررات و موازین اسلام باشد؛ بدون آن که ترس و وحشتی در میان باشد. و سپس تأکید می‌شود که اصل بر محبت و حسن ظن باشد و رفتار افراد، حمل بر صحت گردد؛ مگر آن که عکس آن اثبات شود: «وَأَنْ يَكُونَ الْأَصْلُ الْمُحَكَّمُ عِنْدَ مَسْئُولِهِ وَ مَوْظُفِيهِ، حُبُّ الْمُسْلِمِينَ وَ حَسَنُ الظَّنِّ بِهِمْ وَ حَمْلُ أَعْمَالِهِمْ عَلَى الصَّحَّةِ إِلَى أَنْ يَثْبُتَ الْعَكْسُ بِدَلِيلٍ شَرْعِيٍّ صَحِيحٍ»، (منتظری، ۱۴۰۹، ص ۵۹۰).

با توجه به مفاد همین اصول و قواعد فقهی، در اصل ۳۷ قانون اساسی ایران تأکید شده است که «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

۳-۶. امنیت روانی و مقابله با محارب

یکی از سازوکارهای مهم در تولید امنیت که سهمی عمده در امنیت روانی نیز دارد، برخورد قاطع با کسانی است که امنیت و آرامش جامعه اسلامی را خدشه دار می‌سازند که برای آنان، سخت‌ترین مجازات در نظر گرفته شده است، حال محارب باشد یا باغی یا هر کسی که به نحوی ناامنی ایجاد می‌کند. دربارهٔ محارب، خداوند می‌فرماید:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ (مائده، آیه ۳۳) سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جزاین

نیست که کشته شوند یا به دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند.

طبرسی در مجمع‌البیان می‌نویسد: بنا بر آن چه که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده، محارب هر کسی است که سلاح به دست گیرد، آشکار سازد و ترس و وحشت در راه‌ها ایجاد کند، در شهر باشد یا خارج آن. (طبرسی، ۱۳۷۳: ص ۲۹۲) و صاحب‌المیزان می‌نویسد این که در آیه آمده است که «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» مشخص می‌کند که منظور از «یحاربون الله و رسوله»، فسادانگیزی و فسادگری در زمین است، با ایجاد اختلال در آرامش و امنیت عمومی و راهزنی. (طباطبائی، ۱۳۸۱، [ج ۵]، ص ۳۲۷) لذا در فقه تأکید می‌شود که «اگر کسی به قصد ترساندن مردم سلاح برکشد، محارب شمرده می‌شود». (نجفی، ۱۴۰۴، [ج ۴۱]، ص ۵۶۴) مراد از محاربه با خداوند و رسول او، تجاوز و اعتدا بر مردم و پیامبر اوست و مراد از فساد در زمین، در این جا راهزنی است که در بردارنده چندین جرم است، ترساندن آنان که در ایمنی‌اند، سرکشی نسبت به حاکم، تجاربه جنایت، خونریزی، از میان بردن اموال و آبرویزی. مراد از «مفسد» در این جا هر کسی است که آشکارا سلاح برکشد برای ترساندن مردم، با زدن، یا کشتن، یا اهانت و تعدی بر ناموس دیگران. (رک: مغنیه، ۱۴۲۴، ص ۵۱) جرم محارب، ایجاد ناامنی، هراس و وحشت در جامعه است که ساحتی از آن با امنیت روانی مرتبط است. همین که ترس در جامعه، رخنه کند، احساس آرامش از آن رخت برمی‌بندد. هرچند کار محارب، با ابزار سخت و اسلحه، انجام می‌شود، اما مهم آن است که با آن رفتار، در جامعه، ایجاد ترس و وحشت همگانی می‌کند و امنیت روانی مردم را با چالش مواجه می‌کند.

نتیجه‌گیری

هدفِ قدرتِ مطلوب این است که با ایجاد بسترهای رشد و امنیت مادی-معنوی، با هدف عدالت و سعادت، شهروندان را به جایگاه انسانی در مکتب الهی برساند و هیچ چیز نباید فکرو عقیده و هنجارهای اخلاقی و امنیت جامعه را به خطر اندازد. اگر جنگ روانی به جای آرامش روانی در جامعه فراگیر شود، نمی‌توان چندان به امنیت اقتصادی، سیاسی،

فرهنگی و دیگر عرصه‌های آن، امید داشت. با توجه به جایگاه این مهم، در این نوشته، تلاش شد تا برخی از ساحت‌ها و سازوکارهای امنیت روانی بررسی گردد و تأکید شد که امنیت روانی در کنار سازوکارهای فقهی، ارتباطی وثیق با ایمان، اخلاق، سرمایه اجتماعی و خودشکوفایی دارد.

شهروندانی که نظام سیاسی اسلامی را می‌پذیرند و به قوانین آن احترام می‌گذارند، باید در دایره امنیت قرار گیرند و از همه مزایای آن به ویژه در عرصه امنیت سیاسی، روانی و فکری برخوردار باشند. بایسته است افراد بدون احساس ناامنی، با قدرت، مواجهه انتقادی داشته باشند و بتوانند آزادانه دیدگاه خود را بیان کنند؛ چنان‌که اندیشه‌ور منتقد، دچار خودسانسوری نشود. این وظیفه بیش از هر فرد یا سازمانی، بر عهده قدرت حاکم است تا مردم در اظهار عقیده، احساس امنیت کنند و از بیان دیدگاه خویش نهراسند.

نداشتن تحمل سیاسی، می‌تواند امنیت روانی جامعه را مختل کند. اگر شهروندان احساس کنند صاحبان قدرت به اندک انتقادی یا نصیحت خیرخواهانه‌ای برمی‌آشوبند، منتقدان را زیر نظر می‌گیرند و به دنبال بهانه‌ای هستند تا با امکانات ثروت و قدرتی که در اختیار دارند، از آنان انتقام گیرند، پس آرامش روانی آنان از دست رفته و امنیتی هم که بر جامعه حاکم می‌شوند، امنیتی تحمیلی و خشک و مادی خواهد بود که نسبت وثیقی با آرامش روانی مردم نخواهد داشت.

بخشی از امنیت روانی به امنیت اخلاقی بازمی‌گردد؛ اگر جامعه‌ای گرفتار انواع فساد اخلاقی شود، آرامش روانی نیز از آن برداشته می‌شود. شهروندان در جامعه اسلامی از حیث اخلاقی باید دارای فضایی آرام و مطمئن و به دور از امور غیر اخلاقی باشند تا امنیت روانی آنان به هم نخورد؛ از این رو در فقه، تنها بحث از فقدان یا کاستن تهدیدها و چالش‌های نظامی - انتظامی نیست، بلکه در کنار آن، وظیفه حکومت است که با ایجاد امنیت روانی، زمینه دستیابی به جامعه سالم، اخلاقی و معنوی را فراهم کند.

در نتیجه صرف وجود امنیت بیرونی به معنای آن نیست که احساس امنیت نیز به دنبال آن می‌آید؛ چه بسا جامعه‌ای امنیت نظامی و انتظامی دارد، اما احساس امنیت ندارد، یا بر

عکس، کسی امنیت روانی داشته باشد، اما این احساس، منشئی واقعی نداشته، در معرض تهدید و آسیب باشد و فرد، بی خبر. مطلوب آن است که در جامعه اسلامی هم امنیت بیرونی وجود داشته باشد و هم احساس امنیت حقیقی.

حکومت‌های نامشروع اگر امنیت برقرار کنند، تک‌ساحتی و مادی است؛ امنیتی استبدادی در راستای گسترش قدرت طاغوتی و ایجاد امنیت برای پیرامونیان و حلقه به‌گوش‌ها و ناامنی و وحشت برای مؤمنان است؛ از این رو با حضور این قدرت‌ها، امنیت سیاسی-روانی، برای مردم وجود ندارد. در نظام‌های خودکامه، هر چه شدت استبداد و ناعدالتی بیشتر می‌شود، ناامنی، دلشوره و احساس عدم امنیت در جامعه فزونی می‌یابد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، جلد ۵، تحقیق و تصحیح محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*، جلد ۴، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن منظور (۱۴۰۵). *لسان العرب*، جلد ۱۳، قم: نشر الادب الحوزه.
۵. ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۳۷۲). *سنن أبی داود*، قم: انتشارات دار الحديث.
۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، جلد ۳، الجزء الثاني، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. استونز، راب (۱۳۷۹). *متفکران بزرگ جامعه شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
۸. امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام.
۹. امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۲). *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام.
۱۰. امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۴). *کتاب البیع*، جلد ۲، تهران: مؤسسه نشر آثار امام.
۱۱. انصاری، مرتضی (۱۴۱۶). *فرائد الاصول*، جلد ۱، ۲ و ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. آشوری، داریوش (۱۳۸۷). *دانشنامه سیاسی*، چاپ شانزدهم، تهران: نشر مروارید.
۱۳. آقا بخشی، علی (۱۳۸۲). *فرهنگ علوم سیاسی*؛ چاپ چهارم، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۱۴. باری بوزان و همکاران (۱۳۹۲). *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ترجمه علیرضا طیب.
۱۵. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۴۰۱)، *قواعد فقهیه*، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: مؤسسه عروج.

۱۶. تویسرکانی، محمدنبی بن احمد (۱۴۱۳). *لثالی الأخبار*، جلد ۵، قم: نشر العلامة.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۳). *ترمینولوژی حقوق*، تهران: بنیاد راستاد.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، جلد ۱ و ۱۲، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴ ق). *تذکرة الفقهاء (ط - الحديثة)*، جلد ۱۲، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۰. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۲ ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۲۱. سید قطب (۱۳۵۲). *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه محمد علی گرامی و سیدهادی خسروشاهی، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۲. سید قطب (۱۴۰۸ ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق.
۲۳. شعراوی (۱۴۱۱). *تفسیر الشعراوی*، المجلد الخامس، بیروت: دار اخبار الیوم.
۲۴. شولتز، دوآن و شولتز، سیدنی آلن (۱۳۸۹). *نظریه های شخصیت*، ترجمه: یحیی سید محمدی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر ویرایش.
۲۵. شیرازی، سید محمد حسینی (۱۴۲۶). *الفقه، السلم و السلام*، چاپ اول، بیروت: دارالعلوم للتحقیق و الطباعة.
۲۶. صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۵). *اقتصادنا*، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۷. صدر، سید محمد (۱۴۲۰ ق) *ماوراء الفقه*، جلد ۵، چاپ اول، بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۴، ۵، ۹، ۱۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، جلد ۳، چاپ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۳). *التبیان فی تفسیر القرآن*، جلد ۶، مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی،

بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۱. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۰). *القواعد و الفوائد*، قم: کتابفروشی مفید.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴). *کتاب العین*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۳۳. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹). *تفسیر من وحی القرآن*، جلد ۸، چاپ دوم، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.
۳۴. کلینی، ابو جعفر محمد (۱۴۰۷). *کافی*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. مازلو، آبراهام. اچ (۱۳۷۲). *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۲ ق). *بحار الانوار*، تهران: المکتبة الاسلامیه.
۳۷. محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۴۰۶). *قواعد فقه*، جلد ۴، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۸. محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۴). *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، چاپ بیست و یکم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۹. مصطفوی، حسن (۱۳۷۵). *التحقیق فی کلمات القرآن*، جلد ۱ و ۱۰، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۰. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴). *تفسیر الکاشف*، جلد ۳، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۱. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹). *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیه*، جلد ۲، چاپ دوم، قم: نشر تفکر.
۴۲. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام*، جلد ۴۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۳. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، جلد ۹، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.

44. Fukuyama, Francis. 1995. Trust : the social virtues and the creation of prosperity. London: Hamish Hamilton.

45. Inglehart, R, Modernization and post-modernization: cultural, economic and political change in 43 societies, Princeton: Princeton University Press, 1997
46. Maslow, A. H., Hirsh, E., Stein, M., & Honigmann, I. (1945). A clinical derived test for measuring psychological security-insecurity. *The Journal of General Psychology*, 33(1), 21-41
47. Taormina, R. J., & Sun, R. (2015). Antecedents and outcomes of psychological insecurity and interpersonal trust among Chinese people. *Psychological Thought*, 8(2), 173-188.